

مطالعه جامعه‌شناختی ناهنجاری‌های جنسی در پاتوق‌های کارتن‌خوابی

شهرهای تهران و مشهد

مرتضی دیاری^۱

مهدی کرمانی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۱۶

چکیده

پدیده بی‌خانمانی را به‌عنوان یکی از مسائل اجتماعی روز ایران، از جهات مختلف می‌توان بررسی کرد. در این بین، موضوع امر جنسی در میان افراد بی‌خانمان، علی‌رغم اهمیت آن مغفول مانده است. این پژوهش با هدف بررسی وجوه ناظر بر امر جنسی در زیست کارتن‌خوابی، به کندوکاو در کنش‌های عاطفی و جنسی افراد بی‌خانمان می‌پردازد. رویکرد این پژوهش کیفی، و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای است. در این راستا، با ۴۲ بی‌خانمان شامل ۲۳ مرد و ۱۹ زن، مصاحبه عمیق صورت پذیرفت. نمونه‌ها به شکل هدفمند از پاتوق‌های کارتن‌خوابی در دو شهر مشهد و تهران برگزیده شدند. از شهر مشهد، پاتوق‌های اسماعیل‌آباد، نوده و شهرک شهید رجایی و از شهر تهران، پاتوق‌های مولوی، فرحزاد، هرنیدی و چند نمونه دیگر بررسی شدند. داده‌ها در ابتدا با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای تحلیل شد. نتایج نشان داد که نیازهای مادی به‌منظور تأمین مواد مخدر و همچنین نیازهای عاطفی و جنسی، سبب برقراری روابط میان افراد بی‌خانمان شده است. افراد مورد مطالعه عموماً در قالبی آشفته به پیشبرد کنش‌های عاطفی و جنسی خود می‌پردازند. بر مبنای نتایج، اعتبارزدایی تدریجی از نهاد خانواده و رفت‌وبرگشت به مواد مخدر به‌منظور کسب لذت جنسی در این آشفتگی نقش مهمی ایفا کرده است.

واژه‌های کلیدی: بی‌خانمانی، خانواده، روابط جنسی، ناهنجاری‌های جنسی، نیازهای عاطفی.

۱. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران، mortezaadayaree@yahoo.com
۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، m-kermani@um.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

بی‌خانمانی در سال‌های اخیر، به‌عنوان یکی از مسائل اجتماعی پراهمیت در ایران قلمداد شده است. براساس آمار منتشرشده «سازمان رفاه، خدمات اجتماعی و مشارکت‌های مردمی» شهرداری تهران، تنها در پنج ماه ابتدایی سال ۱۳۹۰، بیش از ۵۵ هزار نفر در شهر تهران به مراکز نگهداری افراد بی‌خانمان مراجعه کرده‌اند. این در حالی است که تعداد زیادی از بی‌خانمان‌ها زندگی در پاتوق‌های کارتن‌خوابی را به حضور در مددسراها و سایر مراکز نگهداری ترجیح می‌دهند. اساساً افراد بی‌خانمان، جمعیتی در حال عبور هستند که در اشکال مختلف و متنوع در خیابان‌ها تردد دارند و زمان خود را سپری می‌کنند. تعاریف آماری از افراد بی‌خانمان نیازمند شناسایی دقیق گروه‌بندی آنان است. با این حال، به‌سختی می‌توان افرادی را که در خیابان‌ها زندگی می‌کنند، در دسته مشخصی جای داد (راونپیل، ۲۰۰۸: ۱۳). عده‌ای بی‌خانمانی را ساختاری اجتماعی در نظر می‌گیرند که برای توضیح یکی از جنبه‌های فقر شدید، مفهومی دوگانه و دارای بعد مسکن و بعد اجتماعی است. در واقع این دو بعد همگام نیستند، اما در کنار یکدیگر مشاهده می‌شوند. این بهترین روش برای درک ماهیت چندبعدی بی‌خانمانی به‌نظر می‌رسد (همان: ۴۱). به باور چمبرلین و جانسون (۲۰۱۳)، مصرف مواد مخدر، نداشتن سلامت ذهنی، تجزیه خانواده و بحران مسکن از ابعاد مختلف بی‌خانمانی است.

بی‌خانمان‌ها با شبکه‌ای از مسائل مختلف مواجهند و در این میان، امر جنسی و آسیب‌های آن یکی از حوزه‌های مغفول در مطالعات صورت‌گرفته در ایران بوده است. کنش‌های عاطفی و جنسی افراد بی‌خانمان، دارای پیامدهای متعددی نظیر بارداری زنان بی‌خانمان است؛ مسئله‌ای که خود نتیجه کنش‌های جنسی نابهنجار است و معمولاً به‌منظور کسب درآمد انجام می‌شود. مطالعات ملی آمریکا در حوزه بی‌خانمانی نشان می‌دهد ۳۰ تا ۶۰ درصد زنان جوان بی‌خانمان، بارداری را تجربه کرده‌اند (یادر و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین حداقل ۱۰ درصد از زنان بی‌خانمان در هر زمان باردار بوده‌اند و ۷۳ درصد از بارداری در میان افراد، به‌صورت ناخواسته بوده است (بیگان، ۲۰۱۵: ۴۴۵). این افراد که دارای گزینه‌های محدودی برای کسب درآمد هستند، رابطه جنسی برای غذا، لباس و پول را برگزیده‌اند. در واقع زنان بی‌خانمان با رابطه جنسی برای بقا، اغلب بدون استفاده از وسایل پیشگیری، کسب درآمد می‌کنند و چنین امری چرخه حاملگی را تداوم می‌بخشد (وارف و همکاران، ۲۰۱۳). زنان بی‌خانمان پس از بارداری،

با مشکلات متعددی مانند رژیم نامناسب غذایی و نداشتن دسترسی به مراقبت‌های قبل از زایمان مواجه می‌شوند (مور، ۲۰۱۴: ۱۴۳).

در بررسی کنش‌های عاطفی و جنسی، شبکه بی‌خانمان‌ها دارای اهمیت فراوان است. در واقع اگر افراد در شبکه‌ای از بی‌خانمان‌ها حضور داشته باشند که آن‌ها را به رفتارهای جنسی خطرناک تشویق کنند، در مقایسه با بی‌خانمان‌هایی که در قالب اعضای خانواده زندگی می‌کنند، بیشتر در معرض رفتارهای پرخطر جنسی خواهند بود (رایس، ۲۰۱۰: ۱۲۵). نداشتن مسکن و فرزندآوری در میان افراد بی‌خانمان، موجد مشکلات اجتماعی، روانی و جسمی فراوان است (بیگان، ۲۰۱۸: ۲). بی‌خانمان‌ها رابطه جنسی را امری لحظه‌ای قلمداد می‌کنند (همان: ۹). مصائب بی‌خانمانی سبب شده است تا مردان و زنان کارتن‌خواب، به راهبردهای مختلفی برای پرداختن به امر جنسی روی آورند. به نظر می‌رسد وجوه مسئله‌ساز امر جنسی در میان بی‌خانمان‌ها، نداشتن رابطه حفاظت‌شده و شیوع بیماری‌های مقاربتی، خشونت جنسی، بارداری ناخواسته، فروش نوزاد و موارد مشابه است.

با توجه به گسترش روزافزون تراکم و تعدد پاتوق‌های کارتن‌خوابی در قلمروهای کلان‌شهری ایران، ضرورت انجام‌گرفتن مطالعاتی در این زمینه بیش از پیش آشکار شده است؛ مطالعاتی که به واکاوی شرایط حاکم بر زیست فردی و اجتماعی در این قلمروها بپردازند و شناختی موثق را برای طراحی و پیشبرد مداخلات سازنده اجتماعی، امنیتی و مراقبتی در این زمینه فراهم سازند. بر مبنای چنین ضرورتی و براساس آنچه درباره وجهی از این سامان زیستی گفته شد، پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکردی ژرفانگر، به بررسی زوایای مختلف امر جنسی در تجربه زیسته کارتن‌خوابان و شرایط حاکم بر این بعد از زندگی آنان بپردازد. در نتیجه پرسش‌های اصلی تحقیق از این قرار است: الگوی سامان‌دهی امر جنسی در زیست کارتن‌خوابی از چه قرار است و تحت چه شرایطی شکل می‌گیرد؟ راهبردهای کنش-تعامل عاملان اجتماعی در نسبت با آن چیست؟ و در نهایت الگوی مذکور چه پیامدهایی دارد؟

پیشینه تجربی

پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره پدیده امر جنسی میان افراد بی‌خانمان را می‌توان در چند

دسته مشخص بررسی کرد. دسته نخست به موضوع روابط جنسی محافظت نشده در میان افراد بی‌خانمان پرداخته‌اند. بارمن و همکاران (۲۰۱۷)، کندی و همکاران (۲۰۱۲) و بیگان و همکاران (۲۰۱۹) برقراری روابط جنسی میان بی‌خانمان‌ها را مطالعه، و پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی را امری مهم ارزیابی کردند. بارمن و همکاران (۲۰۱۷) به‌کارگیری مداخلات اجتماعی را در راستای کاهش انتقال ویروس ایدز، امری ضروری دانستند. کندی و همکاران (۲۰۱۲) وجود شبکه‌های اجتماعی میان افراد بی‌خانمان را یکی از بسترهای موجود در زمینه برقراری روابط جنسی عنوان کردند. به عقیده آنان، مردان و زنان بی‌خانمان در قالب شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر روابط جنسی برقرار می‌کنند.

در دسته دوم پژوهش‌ها، مسئله امر جنسی زنان بی‌خانمان مورد توجه محققان بوده است. کرونی و همکاران (۲۰۱۸) با اشاره به بارداری زنان بی‌خانمان، مشخص نبودن پدر در تولد فرزندان را یکی از مصائب زنان بی‌خانمان عنوان کردند. زنان بی‌خانمان به‌خاطر بقا رابطه جنسی برقرار می‌کنند و مطابق پژوهش کرونی، بارداری امری اجتناب‌ناپذیر و ناخواسته است. دیگر مسئله مورد توجه در پژوهش‌های دسته دوم درباره زنان بی‌خانمان، رانده‌شدگی از منزل و در پی آن، سوءاستفاده جنسی از آنان است. پژوهش بیگان (۲۰۱۵) نیز با بررسی زنان جوان بی‌خانمان در معرض بارداری، به موضوع روابط جنسی برای بقا اشاره داشت.

دسته سوم پژوهش‌ها به بررسی نگرش‌ها و هنجارهای درون‌شبکه‌ای افراد بی‌خانمان در حوزه جنسی و عاطفی پرداخته‌اند. براون و همکاران (۲۰۱۲) شکل‌گیری صمیمیت جنسی و عاطفی میان مردان و زنان بی‌خانمان را مطالعه کردند. آنان علاوه بر توافقات میان افراد در برقراری روابط عاطفی و جنسی، درباره انتقال بیماری‌هایی مانند ایدز در نتیجه بروز صمیمیت جنسی هشدار دادند. در نهایت دسته چهارم پژوهش‌ها به بررسی گروه‌های خاص پرداخته‌اند. کودکان خیابانی، همجنس‌گرایان، زنان باردار بی‌خانمان و گروه‌های مشابه در این دسته جای گرفته‌اند. در پژوهش فیوراتی و همکاران (۲۰۱۴) در زمینه تکدی‌گری زنان بی‌خانمان یافته‌هایی ارائه شد. همچنین صادقی پویا (۱۳۹۵) به بررسی تراجنسی‌های کارتن‌خواب پرداخت و بر هزینه‌های گزاف جراحی و فقر ناشی از آن تأکید کرد. در نهایت سامرویل (۲۰۱۳) بر اهمیت فرهنگ بی‌خانمانی و بل و والش (۲۰۱۵) بر انزوا و پناهگاه‌ها تأکید ورزیدند. به‌نظر می‌رسد در

ایران پژوهشی به موضوع عاطفی و جنسی افراد بی‌خانمان حداقل به صورت انحصاری نپرداخته است. درعین‌حال برخی از پژوهش‌ها نظیر محسنی تبریزی (۱۳۸۱)، سفیری (۱۳۹۲) و دیاری (۱۳۹۷) به چالش‌های برآمده از یا مرتبط با امر جنسی در زیست کارتن‌خوابی اشاراتی داشته‌اند. در این پژوهش با توجه به اهمیت موضوع امر جنسی و مغفول‌ماندن آن در حوزه علوم اجتماعی، به آشفتگی امر جنسی میان افراد بی‌خانمان پرداخته می‌شود.

چارچوب مفهومی

مطابق برخی تعاریف رایج، کارتن‌خوابی عبارت از خوابیدن در خیابان، کوچه، کنار سطل‌های زباله، مکان‌های گرم یا در جاهایی است که سکونتگاه انسانی محسوب نمی‌شوند. این مکان‌ها آخرین پناهگاه افراد بی‌خانمان است. این افراد ممکن است در مکان‌های مختلفی باشند: در خیابان‌ها، جاده‌ها، کنار رودخانه‌ها، پارک‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس، انبارها، کپرها، گاراژها، کنار وسایل نقلیه و امثال آن. با توجه به این گستره معنایی و ادبیات مشابه در زبان پارسی، کارتن‌خواب به‌عنوان معادل این اصطلاح انتخاب شده است (باروز، ۱۳۹۶: ۴۶۱).

اغلب زیست کارتن‌خوابی و سامان امور در آن، شأن پسینی نسبت به دوره‌ای از تجربه زیسته افراد دارد که در متن جامعه و مبتنی بر شرایط اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی آن پیش برده شده است. این موقعیت‌های دوگانه تا حد زیادی تداعی‌کننده درک گافمن از چارچوب‌های نخستین و دومی است. چارچوب‌های نخستین، مشتمل بر مجموعه‌ای از باورداشت‌ها و هنجارهای برآمده از ساخت فرهنگی-اجتماعی جامعه است که افراد آن را درونی کرده‌اند. اما بنا به شرایط و عواملی ممکن است افراد در موقعیت‌هایی قرار بگیرند که این چارچوب‌ها ناکارآمد جلوه کند. در چنین وضعیتی، کنشگر اجتماعی مجموعه تلاش‌هایی برای خلق معناهای تازه صورت می‌دهد که به او امکان فهم وضع موجود و کنش بر پایه آن را بدهد (آقایی، کلدی و وثوقی، ۱۳۹۶).

رویکرد تحلیلی نظریه یادگیری اجتماعی (ولد، برنارد و اسنیس، ۱۳۹۶) بر فراگیری و اشاعه رفتارها و کنش‌های انحراف‌آمیز از طریق مجاورت و تراکم مواجهه با افراد مسئله‌دار تأکید دارد و براساس این رویکرد می‌توان شکل‌گیری صورت‌های متنوع از الگوی ارضای نیاز

جنسی در بین افراد بی‌خانمان را توجیه و تبیین کرد؛ الگویی که غالباً و به درجات مختلف، آشفستگی و انحراف از هنجارهای رسمی جامعه را نیز دربرمی‌گیرد. در واقع صرف‌نظر از تجارب منحصر به فردی که هریک از افراد بی‌خانمان در زندگی پیشاکارتن‌خوابی خود داشته‌اند، محدود شدن تعاملات اجتماعی آن‌ها به گتوهای کارت‌ن‌خوابان و مجاورت مکانی متراکمی که در این قلمروها جریان دارد، موجب رواج سریع و درونی‌سازی انواع ناهنجاری از جمله در حوزه روابط و مسائل جنسی می‌شود.

تبیین‌های متفاوتی از کنش‌های جنسی جاری در اجتماعات کارت‌ن‌خواب را می‌توان بر پایه نظریه‌های کارکردگرایی میان‌برد ارائه داد، از جمله نظریه مرتون (۱۹۶۸) درباره کژکارکردها و رابطه آن با رفتارهای انحرافی‌آمیز یا نظریه کوهن (تیرنی و اونیل، ۲۰۱۳) در مورد ناکامی منزلتی. مطابق دیدگاه مرتون، بقای زیستی هدفی است که افراد بی‌خانمان نیز مانند سایر آحاد جامعه به‌عنوان غایتی مطلوب برای خود تعریف می‌کنند. اما این بقا را در پیوند با ابزاری نامتناسب و نامشروع یعنی سوء مصرف مواد قرار می‌دهند. این پیوند برای جریان‌یابی خرده‌فرایندهای انحرافی‌آمیز دیگر از جمله تمسک به رابطه جنسی نامشروع برای تأمین مواد، زمینه‌ای فراهم می‌آورد. همچنین گرایش افراد کارت‌ن‌خواب به تابوشکنی‌های متعدد در حوزه امر جنسی را در جامعه‌ای که به‌شدت به وفاداری اعضایش به الگوهای رسمی سامان‌دهی امور جنسی حساس است، می‌توان در قالب نظریه ناکامی منزلتی ادراک کرد. از این منظر، افرادی که مواهب و امتیازات مختلف مادی در جامعه را به‌طور کلی دور از دسترس خود می‌یابند، با پشت‌پازدن به قواعد عزیزانگاشته‌شده در جامعه، نوعی منزلت درون‌گروھی برای خود دست‌وپا می‌کنند.

از منظر پساساختارگرایی و مطابق نظریه‌های متفکرانی مانند میشل فوکو (صنعی، ۱۳۹۷)، گاهی در جامعه مدرن، موقعیت‌هایی برای ظهور و بروز صورت‌های ویژه‌ای از تعامل و کنش اجتماعی در قلمروهای حساس انگاشته‌شده، از جمله حوزه مسائل جنسی فراهم می‌آید؛ آن هم در جامعه مدرنی که با نظارتی فراگیر و به‌شدت عقلانی در پی اعمال صورت‌های نوینی از انقیاد به امیال و احساسات طبیعی انسانی است. این تعامل‌ها در شرایط و مواضعی خاص و نه الزاماً قابل‌دفاع یا مثبت‌انگاشته‌شده، مانند آنچه در حیات اجتماعی کارت‌ن‌خوابی می‌توان

شاهدش بود، به دلیل خارج شدن کنشگران اجتماعی از حیطه نفوذ ناظران قدرتمند پدید می‌آید. اما باید توجه داشت که آنچه در این مورد خاص و در نبود کنشگری‌های فعالانه و مبتنی بر مقاومت آگاهانه در برابر جریان‌های سرکوبگر رخ می‌دهد، بیشتر در قالب انواع آشفتگی و بی‌سامانی تا صورت‌هایی از تحول‌جویی و نوآوری قابل‌درک است.

طبیعتاً انتظار می‌رود زمانی که قرار بر تحلیل مسئله‌ای در حیات فردی و اجتماعی کارتن‌خوابان به‌عنوان یکی از مصادیق روشن‌تر درندگان اجتماعی باشد، از منظر نظریات مربوط به امر پردشدگی اجتماعی نیز به مقوله مورد نظر نگریسته شود. در این زمینه، زیبرا (۱۳۸۵) بر این باور است که پردشدگی را باید بر هر دو پایه ذهنی و عینی آن نگریست. مضاف بر این، پردشدگی مشتمل بر اژه‌م‌گسیختگی مجموعه کاملی از روابط و اتصالات اجتماعی یک کنشگر در یکی از ابعاد اصلی حیات اجتماعی‌اش است. به نحوی که وی هرگونه امید به ترمیم و بازگشت به شرایطی را که امکان تعامل با سایرین مبتنی بر هنجارهای مشترک را داشته باشد، از دست بدهد. این گسیختگی حتی تا تصویری که وی از خودش با توجه به زمینه اجتماعی و روابط سابقش حاصل کرده است، امتداد می‌یابد. بر این اساس، مجموعه تجاربی که کنشگر بی‌خانمان حول امر جنسی حاصل می‌کند، تا حد زیادی مرتبط با تجربه او از پردشدگی اجتماعی و گسست معرفتی‌اش از خودانگاره سابقش است.

روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است. نظریه زمینه‌ای روشی مطمئن برای تبیین پدیده‌های فرایندی و خرده‌مقیاس اجتماعی است؛ به‌ویژه در مواردی که نظریه‌های موجود از قدرت کافی در شرح و تبیین چنین پدیده‌هایی برخوردار نباشند (محمدپور، ۱۳۹۲؛ فلیک، ۱۳۹۱؛ کرسول، ۱۳۹۱؛ استراوس و کربین، ۱۹۹۰). بدین‌منظور با ۴۲ بی‌خانمان مصاحبه عمیق صورت پذیرفت. ۲۰ مصاحبه در شهر مشهد و ۲۴ مصاحبه در شهر تهران انجام شد که از این تعداد، ۱۹ نفر زن و ۲۳ نفر مرد هستند. مشارکت‌کنندگان در پاتوق‌های بی‌خانمانی در مشهد شامل نوده، اسماعیل‌آباد، مهر مادر و شهرک شهید رجایی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در تهران نیز مصاحبه‌ها در پاتوق‌های مولوی، فرحزاد و دروازه‌غار صورت پذیرفت.

انتخاب این دو شهر سه دلیل اصلی داشت: نخست اینکه هر دو اینها مختصات کلان‌شهری دارند و دارای نرخ فزاینده حاشیه‌نشینی با ترکیب غالب مهاجران برخاسته از شهرها و مناطق روستایی هستند. دوم اینکه قلمروها یا پاتوق‌های کارتن‌خوابی در این شهرها مانند جزیره‌هایی نسبتاً مستقل از حوزه استحفاظی و رسمی شهر هستند که در مجموع سیمایی مشترک دارند. سوم آنکه تجربه کارتن‌خوابان در این دو شهر از مواجهه با برنامه‌های مداخله‌ای و حضور عاملان اجتماعی مختلف مداخله‌گر در قلمرو زیست آن‌ها مشابه است. یافته‌ها در سه مرحله کدگذاری و سپس تجزیه و تحلیل شدند. همچنین کدگذاری داده‌ها با نرم‌افزار مکس کیودی‌ای صورت گرفت.

پس از نخستین مصاحبه‌ها روند کدگذاری آغاز شد و به موازات پیشرفت در مراحل کدگذاری، مصاحبه‌ها ادامه یافت. کدهای اولیه در مرحله کدگذاری باز، در چند نوبت مقوله‌بندی شد تا در نهایت تصویری از مقوله‌های اصلی به دست آمد. از بازنگری مجموعه کدها و مقوله‌های اصلی و مقایسه مداوم یافته‌ها، در نهایت مقوله هسته‌ای گزینش شد. شرح یافته‌ها و طرح روایت نهایی از مقوله هسته، در پایان محققان را به نظریه‌ای داده‌بنیان رهنمون شد.

برای بررسی روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی، معیارهای مختلفی پیشنهاد شده است. تأییدپذیری و تکرارپذیری دو مورد از این معیارهاست (گل‌افشانی، ۲۰۰۳). برای بررسی تأییدپذیری نتایج، کدها و مقولات استخراج شده به همراه تفسیر هر یک از آن‌ها، برای برخی از مشارکت‌کنندگان و انطباق ادراک‌های ایشان با موارد مذکور در متن پژوهش، واریسی شد. همچنین برای اطمینان از تکرارپذیری نتایج، در چند مرحله از فرایند تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، اعضای تیم تحقیق کدگذاری‌های مجزا انجام دادند که نشان‌دهنده اشتراک نسبی در معانی برداشت‌شده از متن بود.

یافته‌ها

همان‌گونه که در قسمت روش اشاره شد، در این پژوهش در مجموع با ۴۲ نفر از مشارکت‌کنندگان مصاحبه عمیق صورت گرفت. پیش از پرداختن به یافته‌ها، در این قسمت ابتدا به بیان ویژگی‌های برخی از مشارکت‌کنندگان می‌پردازیم. سپس نتایج تحقیق و در نهایت نتیجه پژوهش را ارائه می‌کنیم.

جدول ۱. سیمای مشارکت‌کنندگان

ردیف	نام	سن	وضعیت تأهل	پاتوق	ردیف	نام	سن	وضعیت تأهل	پاتوق
۱	حسن ^۱	۵۱	مطلقه	ساختمان (م)	۲۲	سید (ملقب)	۵۵	ازدواج مجدد	کال زرکش (ت)
۲	مهدی	۵۱	مطلقه	ساختمان (م)	۲۳	صمد	۴۰	مطلقه	انبارگندم (ت)
۳	علیرضا	۲۴	مجرد	مولوی (ت)	۲۴	ناهید	۴۲	بیوه	مولوی (ت)
۴	اصغر	۳۶	متأهل	فرحزاد (ت)	۲۵	خدیجه	۴۸	بیوه	فرحزاد (ت)
۵	روح‌الله	۴۵	ازدواج مجدد	نوده (م)	۲۶	ساناز (ملقب)	۲۹	متأهل (همسر در زندان)	نوده (م)
۶	احمد	۴۸	مطلقه	مولوی (ت)	۲۷	سمیرا	۳۰	متأهل (همسر مهاجرت)	مولوی (ت)
۷	محمدصادق	۵۵	مطلقه (طلاق غیابی)	مولوی (ت)	۲۸	محمد	۴۵	مطلقه	صدمتری (م)
۸	مرتضی	۳۴	مجرد	اسماعیل‌آباد (م)	۲۹	عباس	۴۲	مطلقه	صدمتری (م)
۹	رامتین	۱۹	مجرد	سعادت مولوی (ت)	۳۰	حسین	۵۹	مطلقه	صدمتری (م)
۱۰	امید	۲۱	مجرد (نامزد)	سعادت مولوی (ت)	۳۱	صابر	۳۸	متأهل	صدمتری (م)
۱۱	مجید	۲۸	مطلقه	اسماعیل‌آباد (م)	۳۲	ترجس	۲۲	مطلقه	صدمتری (م)
۱۲	غلامرضا	۳۰	ازدواج مجدد	فرحزاد (ت)	۳۳	صدف	۱۶	مجرد (باردار)	صدمتری (م)
۱۳	رضا	۴۲	ازدواج (با روسی)	نوده (م)	۳۴	آسیه	۴۰	متأهل	فرحزاد (ت)
۱۴	حمیرا	۲۵	مجرد	کال زرکش (م)	۳۵	فاطمه	۴۶	مطلقه	پل مدیریت (ت)
۱۵	هنگامه	۲۸	متأهل	ساختمان (م)	۳۶	ملیکا	۳۵	مطلقه	یادگار امام (ت)
۱۶	زهرا	۳۱	متأهل	ساختمان (م)	۳۷	سحر	۳۳	متأهل	یادگار امام (ت)
۱۷	پریسا	۳۰	مطلقه	مولوی (ت)	۳۸	عاطفه	۳۶	مطلقه	پل نواب (ت)
۱۸	ساجده	۲۹	مطلقه	مولوی (ت)	۳۹	سعیده	۴۰	متأهل	پل نواب (ت)
۱۹	ستاره	۴۴	مطلقه	اسماعیل‌آباد (م)	۴۰	رضا	۴۲	مجرد	کریمی (ت)
۲۰	سحر	۴۷	ازدواج مجدد	اسماعیل‌آباد (م)	۴۱	محمدرضا	۲۵	مجرد	انبارگندم (ت)
۲۱	سینا	۳۲	مجرد	پل مدیریت (ت)	۴۲	امیررضا	۳۶	مطلقه	پل نواب (ت)

ویژگی‌های زندگی زناشویی افراد بی‌خانمان

ازدواج در سنین پایین: نتایج نشان می‌دهد تعدادی از مردان کارتن‌خواب در سنین پایین ازدواج کرده‌اند. این امر بیشتر به دلیل فشارهای خانوادگی به‌منظور ترک مواد مخدر بوده است.

۱. اسامی مستعارند.

نگاهی به وقایع زندگی مردان کارتن‌خواب نشان می‌دهد مشارکت‌کنندگان در اوایل سنین جوانی با اصرار خود یا خانواده ازدواج کرده‌اند.

محمدصادق: «من از سربازی برگشتم و پدرم گفت که باید داماد شی. گفت تا داماد نشی آدم نمی‌شی. منم فقط ۲۰ سالم بود و بچه بودم. گفتم باشه. فکر کردند اگر ازدواج کنم ترک می‌کنم.»

طلاق عاطفی: یکی از تجارب مشترک مشارکت‌کنندگان، روابط سرد با همسر در دوره تأهل بوده است. مصرف مواد مخدر، مشکلات اقتصادی، مشکلات خانوادگی و نداشتن شناخت از یکدیگر قبل از ازدواج، یکی از مهم‌ترین روایت‌های مشارکت‌کنندگان از مشکلات زناشویی بوده است. به گفته تعدادی از مشارکت‌کنندگان، حضور در شبکه‌های دوستی معتاد و تخصیص زمان‌های بسیار زیاد سبب حضور کمتر فرد در فضای زندگی زناشویی بوده و در نهایت زمینه‌ساز طلاق عاطفی شده است.

حسن: «شب‌ها وقتی می‌رسیدم خونه دیگه زنم خوابیده بود بیچاره. من با رفیق‌م مصرف می‌کردم و مشروب می‌خوردم و فوتبال می‌دیدم. به زنم توجهی نداشتم. فقط اول صبح همدیگه رو می‌دیدیم. چیزی بینمون نبود. نه عشقی، نه محبتی، نه حرفی.»

روابط فرازناشویی: روایت‌های مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که نوع ازدواج مردان کارتن‌خواب، عادت به روابط متعدد، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در کنار شرایطی همچون طلاق عاطفی، زمینه‌ساز روابط فرازناشویی بوده است. تعدادی از مشارکت‌کنندگان به روابط فرازناشویی متعددی که با هدف مصرف انواع مواد مخدر و مشروبات الکلی بوده است، روی آورده‌اند.

علی: «اهل خیانت نبودم به هیچ‌عنوان. چون زنم رو دوست داشتم. به مرور زمان که مصرف می‌کردم می‌اومدن سمتم. بیشتر حال می‌کردم با کسی بخوابم که منو درک می‌کنه. نفهمیدم چی شد. دیدم عاشق یکی دیگه شدم.»

طلاق (غیابی و محضری): نابسامانی وضعیت زندگی با همسر به دلیل مصرف مواد مخدر، دیگر تجربه مشترک بوده است. با توجه به تجربه برخی از مردان بی‌خانمان از زندان، تعدادی

از افراد تجربه طلاق غیابی داشته‌اند. همچنین با تشدید مصرف مواد مخدر، برخی از مشارکت‌کنندگان در زندگی زناشویی شکست خورده‌اند.

یوسف: «یک بار اومد ملاقات گفت بین دیگه من و تو به درد هم نمی‌خوریم. تو اوج جوونی چند سال به پات سوختم بسه. می‌خوام ازت جدا شم. هرچی التماس که بابا من میام بیرون جبران می‌کنم، هیچ فایده نکرد. دیگه جدا شد زنه.»

ازدواج مجدد: ناکامی در روابط زناشویی، افراد را به سمت ازدواج مجدد سوق داده است. طلاق غیابی و محضری در نتیجه نارضایتی زناشویی ناشی از مصرف مواد مخدر، تجربه ازدواج مجدد را در میان برخی از مشارکت‌کنندگان پدید آورده است.

زهرا: «شوهر اولم مصرف‌کننده بود، منم به‌خاطر اون معتاد شدم. ولی ولم کرد رفت. هرچی دنبالش گشتم انگار آب شده بود رفته بود تو زمین. دیگه جدا شدم، با یه پسر کوچیک‌تر از خودم آشنا شدم. ازدواج کردیم دوباره.»

مصرف مواد به منظور روابط جنسی بهتر: یکی از انگیزه‌های مردان بی‌خانمان در مصرف مواد مخدر، داشتن روابط جنسی بهتر بوده است. مشارکت‌کنندگان درباره دوران قبل از بی‌خانمانی، مصرف مواد مخدر سنتی و صنعتی را عامل روابط بهتر جنسی دانسته‌اند.

امیر: «اولین بار شب عروسیم بود که یکی از خسریه هام اومد گفت این رو بنداز بالا امشب روبه‌راهی. نگو این که به ما داد بمبی بود. دیگه هر بار می‌خواستم سکس کنم یکی از اینا مینداختم بالا.»

سنخ‌شناسی کنش‌های جنسی افراد بی‌خانمان

برای سنخ‌شناسی کنش‌های عاطفی جنسی افراد بی‌خانمان می‌توان به سه معیار اصلی شامل درجه پایداری این روابط، اهمیت عامل اقتصادی در تعریف آن و شرایط جنسیتی، روانی و عاطفی طرفین رابطه توجه داشت. درحالی‌که برخی از کارتن‌خوابان همچنان به داشتن شریک جنسی پایدار، وفاداری نسبی و وابستگی نسبی عاطفی به جنس مخالف تمرکز دارند، بعضی دیگر از آنان در هریک از این موارد یا ترکیبی از آنها انتخاب‌های متفاوتی انجام می‌دهند. بر این اساس، انواع کنش‌های جنسی در میان افراد مذکور به‌چشم می‌خورد. خودارضایی، رابطه

جنسی با مرد یا زن روسپی در قبال دریافت یا ارائه پول و مواد مخدر، معاشقه‌های موردی و گذرا، رابطه‌های جنسی گروهی یا دوه‌دو با هم‌پاتوقی‌ها، همجنس‌گرایی، مبادله جنسی اعضای خانواده با پول یا مواد مخدر و ترکیب‌های درهم‌آمیخته‌ای از این موارد، نمونه‌های عمده از انواع کنش‌های جنسی میان افراد کارتن‌خواب است.

آشفتگی و نابهنجاری امر جنسی در میان افراد بی‌خانمان (پدیده مرکزی)

وجود اشکال متعدد از کنش‌های عاطفی و جنسی مردان و زنان بی‌خانمان، نشان‌دهنده نوعی بی‌سامانی در این پدیده است. نداشتن محل مناسب برای انجام کنش‌های عاطفی و جنسی، لحظه‌ای بودن کنش‌ها، استفاده نکردن از وسایل بهداشتی، متوسل شدن به زور به منظور ایجاد رابطه جنسی، رابطه در ازای مواد مخدر، روابط متعدد و رفتارهای جنسی خطرناک، نمونه‌هایی از مقوله‌های پژوهش حاضر در آشفتگی امر جنسی بوده است. مردان کارتن‌خواب با انواع مصرف مواد مخدر در دوره‌هایی از بی‌خانمانی، احساس نیاز مضاعفی به برقراری رابطه جنسی داشته‌اند. افراد به‌منظور تأمین رضایت جنسی خود، اغلب اقدام به برقراری رابطه با زنان معتاد کرده‌اند. این روابط بدون چارچوب و ضوابط مشخصی و در ازای رضایت مالی زنان انجام شده است. مردان کارتن‌خواب در برقراری رابطه جنسی در سه دسته قرار گرفته‌اند. گروه نخست با برقراری رابطه عاطفی و حمایت از شریک جنسی خود، رابطه کوتاه‌مدت یا بلندمدت برقرار کرده‌اند. گروه دوم به زنان روسپی معتاد مراجعه، و در ازای پول یا مواد مخدر رابطه برقرار کرده‌اند. در نهایت گروه سوم با توسل به زور، به مردان دیگر یا زنان بی‌خانمان تعدی کرده‌اند. دسته‌ای از مردان بی‌خانمان با فروکش کردن تمایلات جنسی (به دلیل مصرف طولانی مدت مواد مخدر)، تنها به روابط عاطفی با زنان بی‌خانمان و گاهی خودارضایی روی آورده‌اند. زنان بی‌خانمان نیز در سه دسته جای می‌گیرند. گروه اول تن‌فروشی، و در ازای پول یا مواد مخدر رابطه برقرار کرده‌اند. دسته دوم تحت حمایت یک مرد قرار گرفته‌اند و رابطه عاطفی و جنسی داشته‌اند. گروه سوم به روابط خیابانی و فریب پرداخته‌اند. در واقع زنان با وعده‌دادن به مردان از آن‌ها پیش‌پرداخت دریافت کرده‌اند، اما به وعده‌های خود بی‌توجه بوده‌اند یا پنهان شده‌اند.

شرایط علی

براساس فرایند کدگذاری محوری، چهار شرط علی حاکم بر پدیده مرکزی شناسایی شد که به‌همراه گزیده‌ای از کدهای باز مربوط به هریک در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲. مقوله‌های معرف شرایط علی و گزیده مفاهیم باز متناظر با آن‌ها

مفهوم	مقوله
سردی تعاملات زناشویی در پی مصرف مواد افول روابط عاطفی و جریان‌یابی روابط فرازناشویی	تنزل در کیفیت رابطه زناشویی
تحدید تعاملات به روابط درون‌شبکه‌ای معتادان یافتن شریک جنسی ارزان‌قیمت در شبکه معتادان	نداشتن امکان جایگزین‌یابی رابطه مشروع
بن‌بست روابط جنسی و عاطفی با همسر درک احساسات جنسی در مواجهه با هم‌مصرفان	اختلالات روان‌تنی ناظر بر ارضای جنسی
مشابهت‌های میل جنسی در شبکه معتادان بی‌خانمان همجنس‌گرایی منتهی به تغییر روابط جنسی	نسبت تأمین مواد مخدر و رابطه جنسی
هم‌مصرفی و هم‌خوابگی به‌عنوان درکی از واحد خانوار تأمین نیاز مواد مخدر زنان در قبال رابطه جنسی	

بی‌توجهی و تنزل در کیفیت رابطه زناشویی: برخلاف تصور رایج که شروع زیست کارتن‌خوابی را بعد از طرد کامل از شبکه خویشاوندی تصور می‌کند، در تجربه پاسخگویان دوره گذار پُررنگی وجود داشته است که آن‌ها علی‌رغم افول جدی در شرایط اقتصادی و ازدست‌دادن امکان زیست در عرصه رسمی محله‌ها و شبکه‌های خویشاوندی و اجتماعی، همچنان دارای روابط جسته‌وگریخته عاطفی و جنسی با همسران دائم و در مواردی همسران موقتشان بوده‌اند. اما این تعاملات زناشویی همزمان با گرایش بیشتر یک یا هر دو طرف رابطه به سمت سردی و کاهش مداوم کیفیت گرویده است.

حمیرا: «بعد از اینکه همسرم موادمش زیاد شد و دیگه کمتر می‌دیدمش رابطه‌مون سرد شده بود. منم با مردهای دیگه بودم.»

نداشتن امکان جایگزین‌یابی رابطه مشروع: از همان آغاز کارتن‌خوابی، مصاحبه‌شوندگان

کاهش دسترسی‌هایشان به گزینه‌های مناسب برای برقراری رابطه جنسی پایدار و در چارچوب مطلوبیت‌های فرهنگی خود و جامعه را احساس کرده‌اند. البته این موضوع تا حضور بی‌بازگشتشان به اجتماع کارتن‌خوابی ادامه داشته است. پس از این، شاهد نقطه عطفی در گزینه‌های پیش‌روی خود بوده‌اند که به درون شبکه اجتماعی آن‌ها محدود شده است. ویژگی این دسترسی نوظهور، حاکم‌نبودن بخش زیادی از هنجارهای فرهنگ غالب یا مطلوبیت‌های پیشین این کنشگران بوده است.

مجید: «من وقتی بهم فشار جنسی می‌آد، تقریباً هیچ راهی غیر خوابیدن با همین زن‌ها نمی‌بینم. به صرفه هم هست؛ چون الان زنایی که معتاد نیستن خیلی زیاد پول می‌گیرن. گاهی فقط استرس ایدز دارم.»

اختلالات روان‌تنی ناظر بر ارضای جنسی: بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، تجربه‌های آغازین از مصرف مواد را به تمایلات خود یا شریک جنسی‌شان (حتی پیش از ابتلا به زیست کارتن‌خوابی) به بالاتر بردن کیفیت رابطه جنسی و به قول خودشان افزایش لذت از این رابطه نسبت می‌دهند. در مورد مردان، اعتماد به نفس ناشی از مقابله با زودانزالی، و در ارتباط با زنان حس خوشایند ناشی از توجه بیشتر شریک جنسی به سهم ایشان از رابطه مذکور به‌عنوان مصداق این لذت ادراک شده است که برای هر دو طرف سبب نوعی غلبه بر اختلالات روان‌تنی ناظر بر ارضای جنسی‌شان شده است.

حسن: «وقتی با زنی ارتباط برقرار کنی که اونم درد تو رو داره خیلی بهت بیشتر می‌چسبه. من برم پیش یه زنی که اصن نمی‌فهمه منو بعد فحشم هم می‌ده می‌گه تو معتادی، از دماغم می‌افته اون سکس.»

نسبت تأمین مواد مخدر و رابطه جنسی: در اجتماع کارتن‌خواب‌ها، همه چیز در پیوند با اقتصاد مواد فهمیده می‌شود. هرچند امر جنسی نیازی بیولوژیک به حساب می‌آید، تقریباً همه کارتن‌خواب‌ها در بیان تجاربشان، رابطه جنسی را کم‌و‌بیش با مصرف مواد پیوند می‌دهند. این واقعیت به‌ویژه در مورد زنان، وضعیتی حاد به خود می‌گیرد؛ زیرا علاوه بر تأمین و مصرف مواد، نیاز به دریافت حمایت‌های جانی نیز آن‌ها را به سمت صورت معینی از رابطه جنسی می‌کشاند.

پریسا: «من چاره‌ای برای خودم نمی‌بینم که کسب درآمد کنم. البته مشتری‌ها بیشتر به من مواد می‌دن تا پول. چند بار دنبال کار بودم، ولی درآمدش خیلی کم بود. منم توان کار کردن ندارم زیاد.»

شرایط زمینه‌ای

براساس فرایند کدگذاری محوری، دو شرط زمینه‌ای حاکم بر پدیده مرکزی شناسایی شد که به همراه گزیده‌ای از کدهای باز مربوط به هریک در جدول ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۳. مقوله‌های معرف شرایط زمینه‌ای و گزیده مفاهیم باز متناظر با آن‌ها

مفهوم	مقوله
درخواست جدایی از همسر	اعتبارزدایی تدریجی از نهاد خانواده
جداسازی محل زندگی زوجین	
ترک طولانی‌مدت محل زندگی از سوی فرد معتاد	
برقراری روابط جنسی در فضاهای عمومی	بی‌اعتنایی اجتماعی به انحرافات
مصرف روزانه مواد مخدر در انتظار عمومی	
فضاسازی کارتن‌خوابان در اماکن غیرقابل تردد	

اعتبارزدایی تدریجی از نهاد خانواده: مردان و زنان بی‌خانمان اغلب پس از اعتیاد به مواد مخدر صنعتی، در سازوکاری از طرد اجتماعی، حمایت‌های چندبعدی خانوادگی خود را از دست‌رفته می‌بینند. افراد پس از رانده‌شدگی و جدایی از همسر خود، به اشکال مختلف کنش عاطفی و جنسی روی آورده‌اند که از چارچوب خاصی پیروی نمی‌کند. احساس شکست مشارکت‌کنندگان در زندگی زناشویی، آنان را به نوعی سردرگمی و آشفتگی در تأمین نیازهای عاطفی و جنسی سوق داده که در عمل به روندی تدریجی و فزاینده از اعتبارزدایی از نهاد خانواده منجر شده است.

محمدصادق: «زنم درست درک نمی‌کرد من رو. این اذیتم می‌کرد که دوباره بخوام ازدواج کنم. توی کارتن‌خوابا کم پیش میاد کسی ازدواج و صیغه کنه؛ چون ازدواج دیگه معنا نداره.»

بی‌اعتنایی اجتماعی نسبت به انحرافات: زیست کارتن‌خوابی در معابر شهری، خواه انظار عمومی و خواه در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر، عنصری جدانشدنی در دوره اخیر ایران بوده است. برقراری کنش‌های عاطفی و جنسی در میان مهمه زندگی شهری، نوعی بی‌اعتنایی اجتماعی را به انحرافات بازنمایی می‌کند. به گفته مشارکت‌کنندگان، مصرف مواد مخدر در انظار عمومی مانند پارک‌ها، برقراری رابطه جنسی در میان بوته‌ها، زیر پل‌ها و اماکن مشابه صورت می‌گیرد و مردم تمایلی به مشاهده یا واکنش به چنین کنش‌هایی نداشته‌اند. ظاهر آشفته افراد بی‌خانمان زمینه بی‌توجهی به این افراد را فراهم کرده است.

سعید: «چون مکان نداریم، هر جا که می‌شه رابطه برقرار می‌کنیم. مثلاً

گاهی می‌ریم لای بوته‌ها. مردم هم توجه نمی‌کنند به ما.»

شرایط مداخله‌ای

براساس فرایند کدگذاری محوری، سه شرط مداخله‌ای حاکم بر پدیده مرکزی شناسایی شد که به همراه گزیده‌ای از کدهای باز مربوط به هریک در جدول ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۴. مقوله‌های معرف شرایط زمینه‌ای و گزیده مفاهیم باز متناظر با آن‌ها

مفهوم	مقوله
انقطاع روابط شبکه خویشاوندی با فرد معتاد	طردشدگی از سوی خانواده
هم‌راستایی خانواده با نهادهای انتظامی در دستگیری رانده‌شدگی از محل زندگی خانواده	
بسترسازی شرایط باهم‌بودگی در شبکه هم‌مصرف‌ها رضایت به برقراری روابط جنسی در قبال تأمین منافع شبکه	شکل‌گیری شبکه اجتماعی هم‌مصرفان
حمایت‌گری عاطفی هم‌شبکه‌ای‌ها	
عرق به زنان بی‌پناه از سوی مردان پاتوق	باورداشت‌های فرهنگی-مذهبی
جریان‌یابی فرهنگ مردانگی در فضای پاتوق‌ها	
هم‌بستگی هم‌پاتوق‌های زن و مرد پرسابقه	

طردشدگی از سوی خانواده: افراد بی‌خانمان به دلیل مصرف مواد مخدر، ازدست‌دادن شغل و درآمد، سابقه زندان و موارد مشابه، از سوی خانواده خود رانده شده‌اند. در واقع، به دلیل محرومیت از حمایت‌های خانوادگی، اعتیاد و بیکاری و در نهایت مورد سرزنش و توهین واقع شدن، در مسیر بی‌خانمانی قرار گرفته‌اند. مردان بی‌خانمان با جدایی از همسر و تجربه ناکامی در زندگی زناشویی، در قالب سبک زندگی بی‌خانمانی به دنبال تأمین نیازهای عاطفی و جنسی خود بوده‌اند. همچنین زنان بی‌خانمان در جست‌وجوی درآمد و مواد مخدر به کنش‌های عاطفی و جنسی روی آورده‌اند.

زهر: «بعد از اینکه خانواده‌ام منو قبول نمی‌کردن، توی خیابون به آقای

گفت زیر بال و پرت رو می‌گیرم. منم قبول کردم باهش رابطه برقرار کردم.»

شکل‌گیری شبکه اجتماعی هم‌مصرفان: به دنبال زندگی در پاتوق‌های کارتن‌خوابی، عده‌ای از افراد بی‌خانمان در قالب یک شبکه، به مصرف مواد مخدر، حمایت از هم در موارد خاص، کسب درآمد و گذران زمان می‌پردازند. تأمین نیازهای عاطفی و جنسی، یکی از کارکردهای این شبکه تلقی می‌شود. مردان بی‌خانمان به دلیل بودجه محدود برای شریک عاطفی و جنسی خود، گزینه‌های زیادی پیش‌روی خود نمی‌بینند. همچنین زنان بی‌خانمان به دلیل ازدست‌دادن زیبایی در نتیجه مصرف مواد مخدر، مشتری‌های زیادی ندارند. چنین امری ضرورت کارکردی یک شبکه را که نیاز افراد را مرتفع کند، در میان مشارکت‌کنندگان به وجود آورده است.

سجاد: «چون خودمون بودیم و همه همو می‌شناختیم، هرکس می‌خواست جنس اون چند تا زن رو می‌داد، رابطه برقرار می‌کرد. الانم توی مولوی بخوای بچه‌ها هستن. هوای همو هم دارن.»

باورداشت‌های فرهنگی-مذهبی: علی‌رغم شکل‌گیری خرده‌فرهنگ قدرتمندی که تعیین‌کننده مختصات زیست کارتن‌خوابی است، چه در سطح فردی و چه در سطح بین‌فردی می‌توان حدی از تداوم زمینه‌های فرهنگی مذهبی جاری در حیات پیشاکارتن‌خوابی پاسخگو را مشاهده کرد. البته شفافیت و درجه نفوذ این زمینه، نسبت معکوسی با زمان گذشته از زیست کارتن‌خوابی دارد. همچنین انتظار کم‌آثر شدنش در شرایط آشفته حیات جنسی می‌رود، اما در

عمل تعداد زیادی از کارتن‌خوابان همچنان اشاراتی قابل‌توجه در زمینه توجیه شرایط موجودشان با دریافته‌های ارزشی و ماوراءالطبیعه‌ای که بدان قائل بوده‌اند، عرضه داشتند.

اسماعیل: «توی رسم ما وقتی با یه زن هستی، دیگه مثل ناموست می‌شه. حالا می‌خواد کارتن‌خواب هم باشه. خدا رو خوش نمیداد که بعد اینکه باهاش رابطه داشتی ولش کنی. بارها دیدم کسایی این کارو کردن و چویش رو خدا زد بهشون.»

شرایط راهبردی

براساس فرایند کدگذاری محوری، هفت شرط راهبردی حاکم بر پدیده مرکزی شناسایی شد که به‌همراه گزیده‌ای از کدهای باز مربوط به هریک در جدول ۵ مشاهده می‌شود.

جدول ۵. مقوله‌های معرف شرایط زمینه‌ای و گزیده مفاهیم باز متناظر با آن‌ها

مفاهیم	مقوله
هم‌راستایی خانه‌پاتوق‌ها با امیال جنسی کارتن‌خوابان پدیدارشدن علقه‌های جنسی و عاطفی در بستر خانه‌پاتوق‌ها درآمدزایی جنسی متقابل مراجعان و صاحبان خانه‌پاتوق‌ها	مراجعه به خانه‌پاتوق
تأمین نیازهای جنسی و مواد مخدر از سوی زن و مرد پیدایش زوج‌های جوان در بستر نیازها	عرضه و تقاضای روسپیگری دوسر معتاد
وفاداری مقطعی شرکای جنسی تا زمان تأمین منافع جریان یافتن روابط چندکارکردی زن و مرد توافق‌محوری تعاملات جنسی و عاطفی زن و مرد	یافتن شرکای جنسی شبه‌انحصاری
محورسازی تعاملات بر امر عاطفه برطرف‌سازی نیازها و رای حساب‌و‌کتاب	اقتصادزدایی از امر جنسی
امنیت‌بخشی شبکه به زنان آسیب‌پذیر بسترسازی درآمدی برای کم‌توان‌ها	درآمدزایی (جمععی)
هراس از هم‌بستری با افراد ناشناس دسترسی‌نداشتن تازه‌واردها به زنان روسپی	خودارضایی و همجنس‌گرایی به‌عنوان تابوشکنی در امر جنسی

مراجعه به خانه-پاتوق: یکی از راهکارهای افراد بی‌خانمان برای تأمین نیازهای جنسی، مراجعه به خانه-پاتوق‌ها بوده است. این مکان به‌نوعی تأمین‌کننده نیازهای عاطفی و جنسی برخی از افراد بی‌خانمان بوده است. فضای خانه-پاتوق مانند پاتوق‌های کارتن‌خوابی در معرض دید همگان نیست و مکانی مطمئن تلقی می‌شود. افراد با پرداخت هزینه خدمات جنسی یا زندگی گروهی با بی‌خانمان‌ها در این اماکن، کنش‌های عاطفی و جنسی انجام می‌دهند.

جواد: «یکی از رفقا بهم گفت بیا بریم یه خونه امن. منم نمی‌دونستم اول

که خونه-پاتوق چیه. وقتی رفتم خوشم اومد؛ چون کسی مزاحمت نبود دیگه.»

عرضه و تقاضای روسپیگری دوسر معتاد: همواره روابط دوسر معتاد در میان افراد بی‌خانمان وجود داشته است. مردان نیازهای جنسی خود را با زنانی که به‌لحاظ مصرف مواد مخدر با آنان مشابهت دارند، رفع می‌کنند. در مقابل، زنان بی‌خانمان مانند مردان توانایی جمع‌آوری ضایعات و فروش آن و کسب درآمد کافی را ندارند. در این شرایط، به‌منظور تأمین نیاز مواد مخدر، با مردان رابطه جنسی برقرار می‌کنند. اغلب مشارکت‌کنندگان از وجود چنین روابطی و تجارب خود سخن به‌میان آورده‌اند.

سمیه: «یه آقای که باهام رابطه داشت هوای من رو داشت توی پاتوق. بهم

جنس می‌داد هر موقع می‌خواستم. منم باهاش بودم حدود یک سال.»

یافتن شرکای جنسی شبه‌انحصاری: مصرف طولانی‌مدت مواد مخدر در برخی موارد سبب کاهش تمایلات جنسی در میان مردان بوده است. در چنین شرایطی، مردان در روابط با زنان، به‌دنبال روابط عاطفی و روابط جنسی ناپایدار بوده‌اند. در واقع، مردان و زنان بی‌خانمان در دوره‌های کوتاه‌مدت، دارای روابط جنسی و عاطفی بوده‌اند. در اینجا نوعی توافق میان زنان و مردان بی‌خانمان حاصل شده است که در مدت کوتاه رابطه، به یکدیگر متعهد بمانند. این روابط شبه‌انحصاری به‌منظور یک راهبرد در جهت تأمین نیازهای دو طرف تعبیه شده است. در توافقات مورد نظر، شیوه رابطه و مصرف مواد مخدر به‌صورت شراکتی میان دو طرف مشخص می‌شود. با طولانی‌تر شدن بازه این روابط، به‌ویژه بعد عاطفی آن، پدیده‌ای با عنوان «تک‌پری» رخ می‌دهد که حکایت از وفاداری نسبتاً زیاد طرفین به رابطه‌شان دارد.

علی: «چرا اون زنی که گفتم توافق کردیم بره گدایی کنه. منم می‌رفتم سرقت یا جمع کردن ضایعات. هفته‌ای یه بار هم سکس داشتیم. جنسمون با هم بود. حدود دو ماه این‌طوری سر کردیم با هم.»

درآمدزایی (جمعی): شبکه افراد بی‌خانمان به منظور دستیابی به منابع مالی لازم برای تهیه مواد مخدر به صورت گروهی و به روش‌های مختلف اقدام به کسب درآمد می‌کنند. زنان بی‌خانمان به روسپی‌گری، تکدی‌گری و جمع‌آوری ضایعات می‌پردازند، درحالی‌که مورد حمایت مردان هستند. در سوی دیگر، مردان بی‌خانمان درآمد حاصل از جمع‌آوری ضایعات را به دلیل قدرت حمل بار بیشتر، میان زنان نیز تقسیم می‌کنند. نوعی روابط عاطفی و جنسی در این شبکه برقرار است. در این نوع از روابط، تعدد و نبود چارچوب خاص، آشفتگی امر جنسی را تشدید کرده است.

مجید: «خانمی بود و هست که عاشقش شدم. اونم منو می‌خواست، ولی با بچه‌های دیگه هم می‌رفت. چون اونا هم بهش جنس می‌دادن.»

اقتصادزایی از امر جنسی: رابطه در ازای مواد مخدر انجام نمی‌پذیرد، بلکه با توجه به روابط عاطفی و طولانی‌مدت زندگی دو طرف صورت می‌گیرد. در این نوع از روابط، قراردادی مبنی بر انجام وظایف جنسی و تهیه مواد مخدر وجود ندارد و طرفین براساس علاقه و تعاملات گرم، دارای رابطه شبه‌زناشویی هستند. نکته اساسی در این مورد، گرایش کم به رابطه جنسی بوده است. افراد به دلیل مصرف مواد مخدر، تمایلات جنسی نازلی داشته‌اند. علیرضا: «دوره طلایی مواد رو که پشت سر گذاشتم دیگه نیاز جنسی اذیتم نمی‌کرد. خیلی کم شده گرایشم.»

خودارضایی و همجنس‌گرایی؛ تابوشکنی در امر جنسی: بسیاری از افراد بی‌خانمان امکان برقراری رابطه با جنس مخالف نداشته‌اند. این امر به دلیل تعداد کمتر زنان بی‌خانمان بوده است. همچنین برخی افراد تمایلی به برقراری رابطه با زنان بی‌خانمان نداشته‌اند. در این وضعیت، خودارضایی و همجنس‌گرایی مهم‌ترین اشکال کنش جنسی برخی از مردان بی‌خانمان بوده است. این امر به نوعی هنجارشکنی جنسی در میان مردان بی‌خانمان به حساب می‌آمده است.

محسن: «در طول همه این سال‌هایی که کارتن‌خوابی کردم، هر بار بهم فشار جنسی اومده خودارضایی داشتم؛ چون نه خونه‌ای داشتم برای رابطه با زن و نه پول درستی.»

شرایط پیامدی

براساس فرایند کدگذاری محوری، سه پیامد برآمده از پدیده مرکزی شناسایی شد که به‌همراه گزیده‌ای از کدهای باز مربوط به هریک در جدول ۶ مشاهده می‌شود.

جدول ۶: مقوله‌های معرف شرایط زمینه‌ای و گزیده مفاهیم باز متناظر با آن‌ها

مفاهیم	مقوله
ایمن نبودن زیست زنان در فضای باز پاتوق انزوای مخاطره‌آمیز زنان تازه‌وارد درحاشیه‌بودگی زنان در زیست خیابانی	قرارگیری در معرض آزار جنسی
نارضایتی از روابط جنسی پساترک عادت‌وارگی هم‌خوابی با معتادان تأمین‌یابی لذت جنسی در زیست خیابانی	انگیزه‌زدایی در راستای ترک اعتیاد
الزام به برقراری روابط جنسی منتهی به بقا در میان زنان تعدد روابط بی‌قیدوشرط در بستر زیست خیابانی تأمین‌نشدن نیازهای جنسی در شرایط طبیعی	ولنگاری در روابط جنسی

قرارگیری در معرض آزار جنسی: زندگی در فضای باز و بدون امنیت کافی، زنان زیادی را در معرض آزار جنسی قرار داده است. همچنین تعدادی از مردان کارتن‌خواب نیز از دیگران آزار و اذیت دیده‌اند. آوارگی و درماندگی عنصر جدانشدنی زیست کارتن‌خوابی است. این امر به قرارگرفتن در معرض آزار جنسی دامن زده است. افراد در پی تأمین نیازهای جنسی خود، دیگران را دستمایه خواسته‌های خود قرار داده‌اند. نبود سازوکار مناسب در حمایت از افراد بی‌خانمان و زیست آشفته زمینه‌ساز پیامدی آسیب‌زا شامل آزار بوده است. مشارکت‌کنندگان از هراس در زمان خواب به‌دلیل وقوع تجارب ناخوشایند جنسی و تعرض سخن گفته‌اند.

هنگامه: «برای یه زن هیچ چیز سخت تر از تجاوز نیست. چون مردی سرپناه من نبود، خیلی مورد آزار قرار گرفتم و همیشه در حال فرار از دست مردهای هوس باز بودم. یک بار حتی به کلانتری پناه بردم تا دست از سرم بردارند.»

انگیزه زدایی در راستای ترک اعتیاد: تنزل و ارتقای تمایلات جنسی، خود در ترک اعتیاد و مصرف مجدد مواد مخدر امری تأثیرگذار بوده است. پس از ترک مواد مخدر، افراد نیروی جنسی خود را بازیافته‌اند و درصدد بهبود روابط جنسی خود بوده‌اند. در این شرایط، امر جنسی به‌عنوان پدیده‌ای انگیزه‌زدا در راستای ترک اعتیاد عمل کرده است. بازیابی قوای جنسی و کیفیت‌نداشتن رابطه جنسی، به ایجاد نوعی پریشانی در افراد منجر شده است. درنهایت، بنا به تجارب قبلی مشارکت‌کنندگان، مصرف مجدد مواد مخدر به‌عنوان یک راهکار برای بهبود کیفیت رابطه جنسی اتخاذ شده است.

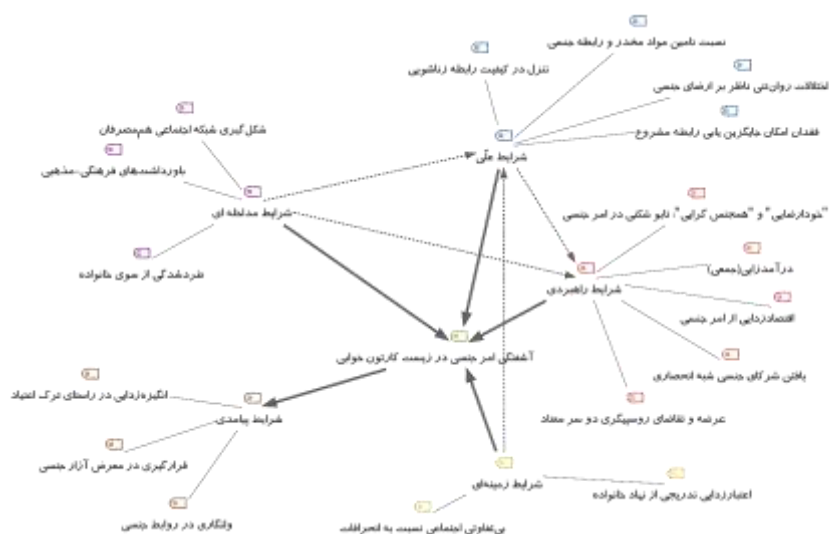
احمد: «اون مدتی که ترک کرده بودم و بابام من رو برد کمپ، دوره بدی داشتم. به شدت نیاز به رابطه جنسی داشتم. وقتی نتونستم رابطه خوبی داشته باشم، از مرد بودن خودم خجالت کشیدم. رفتم دوباره سراغ ترامادول و تریاک که زودانزایم برطرف شه. به یک ماه نکشید که دیدم دوباره معتاد شدم.»

ولنگاری در روابط جنسی: نیازهای عاطفی و جنسی افراد بی‌خانمان با توجه به شرایط زیست کارتن‌خوابی بی‌پاسخ مانده است. در چنین وضعیتی، افراد خارج از چارچوب و عرف، به دنبال تأمین نیازهای عاطفی و جنسی خود بوده‌اند. محدودیت کسب درآمد در میان زنان از یک سو و محدودیت در تأمین نیازهای عاطفی و جنسی مردان از سوی دیگر، بستری از روابط متعدد به وجود آورده است. به نظر می‌رسد ولنگاری در امر جنسی در میان افراد بی‌خانمان نتیجه اتخاذ راهکارهای مختلفی به‌منظور تأمین نیازهای لازم برای تداوم زیست کارتن‌خوابی بوده است.

ستاره: «روزهایی که مواد نداشتم مشتری‌های بیشتری رو قبول می‌کردم که با یه پول کم بتونم از خماری دربیام. من برای غذا این کارو نمی‌کردم. بیشتر برای مواد مجبور می‌شدم که با مشتری‌ها برم.»

بحث و نتیجه‌گیری

مدل پارادایمی حاصل از فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها که دربرگیرنده شرایط ناظر بر پدیده «آشفتگی زیست کارتن‌خوابی» است، در شکل ۱ مشاهده می‌شود.



شکل ۱. مدل پارادایمی

در بررسی امر جنسی، وجه اقتصادی کنش‌های عاطفی و جنسی بسیار پررنگ است. مردان و زنان بی‌خانمان در پی تأمین نیازهای مالی، عاطفی و جنسی خود بوده‌اند. نبود چارچوب خاص در برقراری روابط، نوعی آشفتگی جنسی را میان این افراد ایجاد کرده است. به‌نظر می‌رسد زیست کارتن‌خوابی سبب شکل‌گیری شبکه‌های مختلف در میان افراد بی‌خانمان شده است. این شبکه‌ها در جهت تأمین نیازهای عاطفی و جنسی نیز عمل کرده‌اند. نکته‌ی اساسی در بررسی موضوع آشفتگی امر جنسی، پیشینه‌ی افراد در زندگی زناشویی است. شکست در رابطه‌ی زناشویی به‌دلیل مصرف مواد مخدر و جدایی، افراد را به‌سوی جایگزین‌هایی برای تأمین نیازهای عاطفی و جنسی سوق داده است. همچنین مطابق پژوهش‌های بیگان (۲۰۱۵) و براون و همکاران (۲۰۱۲) صمیمیت جنسی و عاطفی بر روابط افراد بی‌خانمان تأثیر گذاشته است. از

سوی دیگر، افراد بی‌خانمان به دنبال بقا هستند و صورت‌های متناسبی از روابط عاطفی و جنسی را به‌عنوان راهبردی برای بقا برگزیده‌اند.

زنان برای تأمین مواد مخدر، به روابط جنسی خارج از چارچوب‌ها روی می‌آورند و مردان از آن‌ها در قالب نوعی از هم‌زیستی حمایت می‌کنند. افراد بی‌خانمان همان‌طور که مید اشاره دارد (به نقل از تنهایی، ۱۳۸۵)، در درون شبکه خود درک می‌شوند؛ بنابراین، برقراری روابط جنسی و عاطفی در میان افراد بی‌خانمان برگرفته از درک و پذیرش در گروه بی‌خانمان‌هاست. مردان و زنان بی‌خانمان در درون این شبکه زیست می‌کنند. کار گروهی و کسب درآمد، تقسیم کار و برقراری روابط عاطفی و جنسی در قالب گروه بی‌خانمانی فهم می‌شود. در این زمینه، راونهیل (۲۰۰۸) نیز کسب پذیرش در روابط درون‌شبکه‌ای بی‌خانمانی را عامل هم‌زیستی افراد بی‌خانمان دانسته است. همچنین یافته‌های این پژوهش با نظریه مرتون (۱۹۶۸) منطبق است. بر این اساس، افراد کارتن‌خواب برای برقراری روابط جنسی، به راه‌های نامشروع روی می‌آورند. مطابق رویکرد تحلیلی نظریه یادگیری اجتماعی (ولد، برنارد و اسنیس، ۱۳۹۶)، اشاعه رفتارهای نامشروع جنسی در مجاورت پاتوق‌های کارتن‌خوابی را می‌توان ماحصل یادگیری این رفتارها در زیست جهان پاتوق دانست.

باید در نظر داشت که آشفته‌گی امر جنسی در میان افراد بی‌خانمان تنها در تعدد روابط و زیست پرخطر جنسی افراد انعکاس نمی‌یابد، بلکه رفت‌وبرگشت‌های متعدد افراد بی‌خانمان به پاتوق‌ها و کمپ‌های ترک اعتیاد، بازتابی از این آشفته‌گی است. این دریافت مطابق با نتایج گزارش شده در پژوهش سفیری و خادم (۱۳۹۲) است. همچنین اغلب مشارکت‌کنندگان تجربه روابط جنسی محافظت‌نشده داشته‌اند که این امر زمینه‌ساز مشکلات بهداشتی و پزشکی مانند ابتلا به ویروس اچ‌آی‌وی است. یافته‌های مشابهی توسط بیگان و همکاران (۲۰۱۹) و بارمن و همکاران (۲۰۱۷) ارائه شده است.

از سوی دیگر براساس نتایج این پژوهش، به‌نظر می‌آید نداشتن توفیق در ترک دائم مواد مخدر بی‌ارتباط با امر جنسی نباشد. ترک مواد مخدر و بازیابی قوای جنسی پس از مدتی کوتاه از نداشتن مصرف، به گرایش شدید به برقراری رابطه جنسی مبدل می‌شود. لذت‌نبردن از روابط زناشویی برخی افراد را به‌سمت مواد مخدر برمی‌گرداند. این امر به‌دلیل تجربه دوران

طلایی مصرف مواد مخدر بوده است که طرفین به‌ویژه مردان ترکیبی از احساس لذت از مصرف را با لذت ناشی از رابطه جنسی مطلوب تجربه می‌کرده‌اند.

آشفته‌گی مشاهده‌شده در نحوه سامان‌دهی به مسائل جنسی در اجتماعات کارتن‌خواب، نشان از واقعیتی تکان‌دهنده در سطح گسترده‌تر جامعه دارد که براساس آن، نقصان‌هایی جدی در آگاهی‌بخشی و مهارت‌آموزی در زمینه مسائل جنسی، متناسب با دوره‌های مختلف حیات زیستی و شخصیتی افراد در قلمروهایی مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و موارد مشابه وجود دارد. این نقصان‌ها در عمل مانند آتشی در زیر خاکستر عمل می‌کند که هرگاه زندگی افراد تحت تأثیر عوامل گوناگون دچار تلاطم و نوسان شود، بروز می‌یابد. در چنین شرایطی، نهادهای سیاست‌گذار و کارگزاران توسعه‌ای، مکلف هستند در دو محور اساسی در رویه‌های موجود تجدیدنظر کنند. نخست بازنگری در برنامه‌های آموزشی، ترویجی و مهارتی در زمینه امور جنسی و قدرتمندسازی نهادهای مؤثر در اجرای این برنامه‌ها باید مورد توجه واقع شود. دومین بازنگری باید معطوف به قالب‌ها و پروتکل‌های تقلیل‌گرایانه در مواجهه با گروه‌های اجتماعی مسئله‌دار از جمله افراد بی‌خانمان باشد. از آنجا که اغلب این افراد، همزمان در چرخه‌های پیچیده و درهم‌تنیده‌ای از مسائل اجتماعی درگیر هستند، برنامه‌های مداخله‌ای برای سامان‌دهی آن‌ها باید دقیق و جامع باشد.

منابع

- ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۸۵)، «بازنگری شرح زایتلین از چشم‌انداز دیالکتیکی خود، کنش و حال در نظریه هربرتمید»، *مجله تخصصی جامعه‌شناسی*، شماره ۵: ۱-۱۰.
- استراوس، انسلم و ژولین کرین (۱۳۹۱)، *مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- باروز، راجر؛ پلیس، نیکلاس و دبورا کوئیلگرس (۱۳۹۶)، *بی‌خانمانی و سیاست‌گذاری اجتماعی*، ترجمه محمد خانی، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- دیاری، مرتضی (۱۳۹۷)، *تحلیل روایت طرد اجتماعی زنان کارتن‌خواب در شهر تهران (طرح پژوهشی)*، تهران: مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران.
- زیبرا، مارتین (۱۳۸۵)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی طردشدگان اجتماعی*، ترجمه سید حسن حسینی، تهران: نشر آن.
- سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران (۱۳۹۰)، *دستورالعمل اجرایی راه‌اندازی مددسراهای اضطراری در شهر تهران*، تهران: شهرداری تهران.
- سفیری، خدیجه و رسول خادم (۱۳۹۲)، «بررسی وضعیت امید به زندگی زنان بی‌خانمان در شهر تهران (مطالعه موردی: مرکز نگهداری موقت زنان بی‌خانمان شهرداری تهران در سامان‌سرای لویزان)»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، شماره ۱: ۵۱-۷۰.
- صادقی پویا، مهدیس (۱۳۹۵)، *مطالعه پدیده کارتن‌خوابی تراجنسی‌های زن در تهران و اقدامات سازمان‌های دولتی مربوطه در رفع یا تسهیل آن*، همایش بین‌المللی زنان و زندگی شهری، تهران: شهرداری تهران.
- صنیعی، سحر (۱۳۹۷)، «تحول مفهوم سوژه در شناخت‌شناسی فمینیستی و نتایج سیاسی آن»، *مجله پژوهش ملل*، شماره ۲۸: ۲۱-۵۰.
- فلیک، اووه (۱۳۹۱)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

- کرسول، جان (۱۳۹۱)، روش و طرح تحقیق انتخاب از میان پنج رویکرد تحقیقی کیفی، ترجمه طهمورث حسن‌قلی‌پور، اشکان اللهیاری و مجتبی براری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش - جلد اول (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ولد، جرج؛ برنارد، توماس و جفری اسنیپس (۱۳۹۶)، جرم‌شناسی نظری: مروری بر نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.
- Abolhasan Tanhaei, H. (2006), "A Review of Gitlin's Description of Dialectical Perspective of Self, Action and Present in Herbert Mead's Theory", **Journal of Sociology**, No. 5: 1-10. (*In Persian*)
- Barman-Adhikari, A., Hsu, H. T., Begun, S., Portillo, A. P., and Rice, E. (2017), "Condomless Sex among Homeless Youth: The Role of Multidimensional Social Norms and Gender", **AIDS and Behavior**, No 3: 688-702.
- Begun, S., Combs, K. M., Torrie, M., and Bender, K. (2019), "It Seems Kinda Like a Different Language to Us": Homeless Youths' Attitudes and Experiences Pertaining to Condoms and Contraceptives", **Social work in health care**, No. 3: 237-257.
- Begun, S. (2015), "The Paradox of Homeless Youth Pregnancy: A Review of Challenges and Opportunities", **Social Work in Health Care**, No 5: 444-460.
- Bell, M., and Walsh, C. A. (2015), "Finding a Place to Belong: The Role of Social Inclusion in the Lives of Homeless Men", **Qualitative Report**, No. 12: 1977-1994.
- Brown, R. A., Kennedy, D. P., Tucker, J. S., Wenzel, S. L., Golinelli, D., Wertheimer, S. R., and Ryan, G. W. (2012), "Sex and Relationships on the Street: How Homeless Men Judge Partner Risk on Skid Row", **AIDS and Behavior**, No. 3: 774-784.
- Burrows, R., Pleace, N., and Quilgars, D. (2013), **Homelessness and Social Policy**, Translated by M. Khani, Tehran: Department of Social and Cultural Studies, Tehran: Tehran Municipality. (*In Persian*)
- Chamberlain, C., and Johnson, G. (2013), "Pathways into Adult Homelessness", **Journal of Sociology**, No. 1: 60-77.
- Creswell, J. W. (2012), **Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing among Five Approaches**, Translated by T. Hassan Gholipour, A. Allahyari, and M. Barari, Tehran: Sociologists Publications. (*In Persian*)
- Cronley, C., Hohn, K., and Nahar, S. (2018), "Reproductive Health Rights and Survival: The Voices of Mothers Experiencing Homelessness", **Women & Health**, No. 3: 320-333.

- Dayyari, M. (2018), **An Analysis of the Social Exclusion of Homeless Women in Tehran** (Research Project), Tehran: Women's Studies Center in Tehran University. *(In Persian)*
- Fiorati, R. C., Carretta, R. Y. D., Kebbe, L. M., Xavier, J. J. D. S., and Lobato, B. C. (2014), "Inequalities and Social Exclusion among Homeless People: A Brazilian Study", **American International Journal of Social Science**, No. 6: 5–14.
- Dayyari, M. (2018), **An Analysis of the Social Exclusion of Homeless Women in Tehran** (Research Project), Tehran: Women's Studies Center in Tehran University. *(In Persian)*
- Golafshani, N. (2003), "Understanding Reliability and Validity in Qualitative Research", **The Qualitative Report**, No. 4: 597–606.
- Kennedy, D. P., Tucker, J. S., Green, H. D., Golinelli, D., and Ewing, B. (2012), "Unprotected Sex of Homeless Youth: Results from a Multilevel Dyadic Analysis of Individual, Social Network, and Relationship Factors", **AIDS and Behavior**, No. 7: 2015–2032.
- Merton, R. K. (1968), "Manifest and Latent Functions", In **Social Theory Re-Wired: New Connections to Classical and Contemporary Perspectives** (2nd edition). New York: Routledge, 68–84.
- Mohammadpour, A. (2013), **Anti-Method: Qualitative Research Methodology – Vol 1 (Logic and Design in Qualitative Methodology)**, Tehran: Sociologists Publications. *(In Persian)*
- Moore, R. (2014), "Coping with Homelessness: An Expectant Mother's Homeless Pathway", **Housing, Care, and Support**, No. 3: 142–150.
- Somerville, P. (2013), "Understanding Homelessness", **Housing, Theory and Society**, No. 4: 384–415.
- Ravenhill, M. (2008), **The Culture of Homelessness**, Hampshire: Ashgate.
- Rice, E. (2010), "The Positive Role of Social Networks and Social Networking Technology in the Condom-Using Behaviors of Homeless Young People", **Public Health Reports**, No. 4: 588–595.
- Sadeghi Pouya, M. (2016), **Studying the Homelessness of Female Transgender in Tehran and Related Government Agencies' Action to Eliminate or Facilitate it**, International Conference on Women and Urban Life, Tehran: Tehran Municipality. *(In Persian)*
- Safiri, Kh., and Khadem, R. (2014), "An Evaluation of Life Expectancy Status among Homeless Women in Tehran City (Case Study: A Temporary Holding Center for Homeless Women of Tehran Municipality, "Samansraye Lavizan")", **Journal of Iranian Social Development Studies (JISDS)**, No. 1: 51–70. *(In Persian)*
- Saniee, S. (2018), "The Evolution of the Concept of the Subject in Feminist Cognition and Its Political Outcomes", **International Journal of Nations Research**, No. 28: 21–50. *(In Persian)*

- Strauss, A. L., and Corbin, J. M. (2012), **Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques**, Translated by E. Afshar, Tehran: Ney Pub. (*In Persian*)
- Tehran Municipality Welfare, Services, and Social Participation Organization (2011), **Implementation Guidelines for Emergency Services in Tehran**, Tehran: Tehran Municipality. (*In Persian*)
- Somerville, P. (2013), "Understanding Homelessness", **Housing, Theory and Society**, No. 4: 384–415.
- Tierney, J., and O'Neill, M. (2013), **Criminology: Theory and Context**, New York: Routledge.
- Vold, G. B., Bernard, T. J., and Snipes, J. B. (2018), **Theoretical Criminology**. Translated by A. Shojaee, Tehran: Samt. (*In Persian*)
- Warf, C. W., Clark, L. F., Desai, M., Rabinovitz, S. J., Agahi, G., Calvo, R., and Hoffmann, J. (2013), "Coming of Age on the Streets: Survival Sex among Homeless Young Women in Hollywood", **Journal of Adolescence**, No. 6: 1205–1213.
- Xibewas, M. (2007), **Theories of Exclusion: For a Construction of the Imagination of Deviance**, Translated by S. H. Hosseini, Tehran: Aan Pub. (*In Persian*)
- Yoder, K. A., Muñoz, E. A., Whitbeck, L. B., Hoyt, D. R., and McMorris, B. J. (2005), "Arrests among Homeless and Runaway Youths: The Effects of Race and Gender", **Journal of Crime and Justice**, No. 1: 35–58.